

## نگاهی به کاربرد نقد زن‌محور در پژوهش‌های ادبی

نرگس باقری

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولی‌عصر (عج)، رفسنجان

پریوش میرزائیان\*

### چکیده

این مقاله با نگاهی بر پژوهش‌های ادبی از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۹۱، که به هر نحو و یا دیدگاهی، زن را محور اصلی خود قرار داده‌اند ضمن اینکه چگونگی و بسامد آنها را نشان می‌دهد، تکرارها، غیابها و جاهای خالی و بررسی‌نشده را نیز مشخص می‌کند. همچنین تلاش شده است نمودارها و جدولها خوانش و تحلیل شود. بررسی پژوهش‌ها سیر صعودی آنها را نشان می‌دهد. پژوهشگران زن بیش از مردان در پی بررسی و تحلیل زن در ادبیات ایران بوده‌اند، همچنین آمار بیانگر این است که در حوزه آثار کلاسیک نظم بر شاهنامه بیشترین میزان پژوهش انجام گرفته است. همچنین خلأ پژوهش زن‌محور به طور علمی در مورد شعر کلاسیک زنان (رابعه و مهستی گنجه‌ای) به چشم می‌خورد. بین متون نثر، هزارویک‌شب بیشترین میزان پژوهش را به خود اختصاص داده، همچنین حوزه ادبیات داستانی برای پژوهش زن‌محور بیشترین استقبال را داشته است. سیمین دانشور به عنوان اولین نویسنده زن ایرانی بیشترین پژوهش‌ها را در این بخش به خود اختصاص داده است. در شعر معاصر خلأ پژوهشی که در مورد شعر زنان کلاسیک بود، احساس نمی‌شود و بیشتر شعرهای زنان معاصر مشهور، مورد نقد و بررسی قرار گرفته و شعر پروین به عنوان پیونددهنده شعر کلاسیک و معاصر بیشترین آمار را داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** پژوهش‌های ادبی زنان، فمینیسم در پژوهش‌های معاصر، نقد ادبی و زنان.

## ۱. مقدمه

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد واژه فمینیست با دو معنی دیده می‌شود: به عنوان صفت «وابسته به فمینیسم، یا به زنان» و به عنوان اسم. فمینیست، مدافع فمینیسم است و در تعریف فمینیسم معانی مثل «در جهت یا وابسته به زن یا به زنان، مرکب از زنان، تقبل شده به وسیله زنان» و «مشخصات ویژه یا مناسب برای زنان، زن صفت، زن‌مانند» آمده است. به گفته روت رابینز قدیمیترین معانی فمینیسم که در انگلیسی ثبت شده است، آن را «وضعیت زن بودن» و «مؤنث یا واژه یا سیمای زن» می‌شناساند. به نظر او این واژه به بیولوژی و زبان برمی‌گردد و از طبیعت به فرهنگ، از بدن‌ها به رمزهای رفتاری، شامل رفتار زبانی انتقال می‌یابد و پیش می‌رود (رابینز، ۱۳۸۹: ۲۳). شروع دیدگاه فمینیستی در غرب به نیمه قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم برمی‌گردد (خسروی‌شکیب، ۱۳۸۹: ۸۲). تاریخ شکل‌گیری امواج فمینیسم را می‌توان به این شرح در نظر گرفت: از سال ۱۶۳۰ تا ۱۷۸۰، اعتراض‌های جسته‌گریخته و دایمی زنان نسبت به وضعیت خود و جامعه کلان، از سال ۱۷۸۰ تا ۱۷۹۰، دوران آزادیخواهانه تاریخ زنان غرب، از سال ۱۷۹۰ تا ۱۸۴۰، کوشش سازمان‌یافته‌تر زنان برای بهبود وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، از ۱۸۴۰ تا ۱۹۲۰، حرکت حرفه‌ای زنان برای احقاق حقوق خود از جمله حق رأی، از ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰، اوج اعتراض‌های فمینیستی در قالب نظریه‌پردازی، از ۱۹۶۰ تاکنون، طرح پرسش‌های فمینیستی از سوی زنان فعال و دانشمندان و ارائه راه‌حلیها و پیشنهادها (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۱۶). «امروزه فمینیسم به یکی از فعالترین حرکت‌های سیاسی و فرهنگی تبدیل شده که بحق بنیادهای فکری، دینی، روانشناسی، ادبی، و هنری را به چالش کشیده و بسیاری از تفکرات نادرست مردان درباره زنان را متحول کرده است» (سبزیان و کزازی، ۱۳۸۸: ۲۱۶). فمینیسم همانند اغلب نگره‌های فلسفی دیگری که دامنه گسترده دارند، گونه‌های متنوعی را در دل خود جای می‌دهد. هیچ فهرست کوتاهی نمی‌تواند جامع باشد اما بسیاری از اندیشمندان فمینیست (مسلماً نه همگی) می‌توانند بنیان‌نگرش خود را به یکی از نحله‌های لیبرال، مارکسیست، روانکاوانه، سوسیالیست، اگزیستانسیالیست یا پسامدرن منتسب کنند.

در تفکر لیبرال فمینیست‌ها، وجه ممیزه ما انسانها در خردورزی است و زنان نیز مانند مردان عقل دارند؛ پس به همین دلیل ساده است که همه افراد باید از بخت

مساوی برای رشد توان عقلانی و اخلاقی خود برخوردار باشند تا انسان شوند. جامعه از نظر آموزش، وظیفه یکسانی در برابر دختران و پسران دارد (تانگ، ۱۳۸۷: ۳۶ تا ۳۸). نظریه پردازانی چون ولستون کرافت<sup>۱</sup> و هریت تیلور<sup>۲</sup> و جان استوارت میل<sup>۳</sup> زنان را به قلمرو عمومی جامعه فرامی خوانند. تانگ، آرزوی لیبرال فمینیست‌ها را رهایی زنان از قید نقشهای سرکوبگر جنسیتی می‌داند و حرف لیبرالها را این‌گونه بیان می‌کند که «جامعه مردسالار گمان می‌کند زنان فقط برای مشاغل مانند معلمی و پرستاری و منشی‌گری به درد می‌خورند و عمدتاً از عهده وظایف دیگر مثلاً حکومت کردن، وعظ و خطابه یا سرمایه‌گذاری بر نمی‌آیند. آنها معتقدند که این نوع کلیشه‌بندی جنسیت بشدت نابرابر است» (همان، ۵۴).

مارکسیستها علت اصلی فرودستی زنان را پیدایش روابط اقتصادی همچون سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی و فرهنگ بورژوازی می‌دانند (مدرسین، ۱۳۸۸: ۶۱). مارکسیست‌ها برخلاف لیبرالها تأکید می‌کنند که امتیاز ما انسانها در این است که ابزار بقای خود را خود تولید می‌کنیم. هستی ما معلول کاری است که می‌کنیم، بویژه فعالیتهای تولیدی مانند ماهیگیری، کشاورزی و خانه‌سازی که برای تأمین نیازهای اولیه خود انجام می‌دهیم (تانگ، ۱۳۸۷: ۷۴). آنان همچنان زنان را به ورود به عرصه عمومی صنعت تشویق می‌کنند و همچنان به اجتماعی‌شدن خانه‌داری و بچه‌داری پافشاری می‌کنند، آنها بیش از هر گروه فمینیستی دیگر دغدغه رفاه و استقلال اقتصادی زنان را داشته‌اند (همان، ۱۰۶).

فمینیست‌های رادیکال، ستم بر زنان را بنیادین‌ترین نوع ستم می‌دانند و بیش از فمینیست‌های لیبرال و مارکسیست، توجه عمومی را به شیوه‌های کنترل مردان بر بدن زنان جلب کرده، و به مسائلی چون بارداری، جلوگیری از بارداری، عقیم‌سازی، سقط جنین و خشونت علیه زنان توجه نشان داده‌اند. همچنین رادیکال فمینیست‌ها بیش از فمینیست‌های لیبرال و مارکسیست به بیان صریح شیوه‌هایی پرداختند که مردان به کار می‌گیرند تا میل جنسی زنان نه در خدمت زنان، بلکه در خدمت خواسته‌ها و امیال و منافع مردان باشد (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۲۰ و ۱۲۱).

مدعیات فروید درباره طبیعت زن بیش از همه وجوه نظریه او، موجب خشم فمینیست‌ها بوده است، روانکاوان فمینیست با پافشاری بر اینکه طبیعت زن، سرنوشت او

نیست به زنان توانایی بخشیدند (همان، ۲۴۰).

فمینیست‌های روانکاوی همچون بتی فریدان، شولامیت فایرستون<sup>۴</sup> و کیت میل<sup>۵</sup> در زمینه انتقاد به فروید اتفاق نظر داشتند. چیزی که آنها را می‌آزرد، زیستی‌نگری فروید بود و استدلالشان این بود که «نظریه سستی فروید به غلط به زنان می‌باوراند که موجوداتی ناقصند چون آنان را تشویق می‌کند که ریشه نارضایتی و ناخشنودی زنانه را نداشتن اندام نرینه بدانند نه نداشتن منزلت ممتاز فرهنگی و اجتماعی دارندگان آن» (همان، ۲۴۳).

سوسیالیسم یکی دیگر از نحله‌های فمینیستی است که در موج دوم جنبش زنان شکل گرفت. طرفداران این جریان معتقدند جنس، طبقه، نژاد، سن و ملیت، همگی اسارت و ستم‌دیدی زنان را موجب می‌شود و نبودن آزادی زنان، حاصل اوضاع و موقعیتی است که زنان در آن در حوزه‌های عمومی زیر سلطه درمی‌آیند و رهایی آنان تنها زمانی امکانپذیر است که تقسیم جنسی کار در همه حوزه‌ها از بین برود؛ یعنی روابط اجتماعی‌ای که مردم را به کارگران و سرمایه‌داران و نیز زنان و مردان تقسیم کرده است، باید از بین برود (فولادی، ۱۳۸۲: ۶۳).

فمینیست‌های فرانسوی نخستین کسانی بودند که متوجه امکان بالقوه کاربرد مفاهیم و مباحث پسا ساختارگرایانه در نقد فمینیستی نظام اجتماعی پدرسالار شدند (ویلبر برتنز، ۱۳۸۸: ۲۱۳). پسا ساختارگرایی که در واقع به نوعی تداوم و در عین حال رد ساختارگرایی است به بررسی موضوع جنس می‌پردازد و از دیدگاه آنها جنسیت طبیعی، ذاتی و یا فطری نیست. از دیدگاه پسا ساختارگرایی «جنسیت در فرهنگ غرب بر پایه متقابل‌های دوگانه عمل می‌کند به طوری که دلالت‌گرهای جنسیتی همیشه یا به بدن مرد یا به بدن زن و به ویژگی‌های مردانه یا زنانه اشاره دارد» (کلیگز، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

فمینیسم اگزیستانسیالیسم از گرایش‌های فمینیستی معاصر است که مبتنی بر تفسیر سیمون دوبووار<sup>۶</sup> و سارتر<sup>۷</sup> از رابطه زن و مرد است (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۸). سیمون دوبووار با نوشتن کتاب جنس دوم در سال ۱۹۷۹، یکی از متن‌های بسیار مهم کلاسیک اندیشه فمینیستی را نوشت. دوبووار با این ادعا که مرد از ابتدا خویشتن را «خود» و زن را «دیگری» نامیده است، پایبندی خود را به مدعیات اخلاقی و هستی‌شناختی اگزیستانسیالیسم نشان داد (تانگ، ۱۳۸۷: ۳۲۳). از ویژگی‌های بارز این گرایش فمینیستی

این است که به تقسیمات جنسیتی رایج در جامعه توجه می‌کند و چنین تقسیماتی را سیاسی می‌پندارد، نه طبیعی و خواستار تغییر مناسبات نابرابر میان زنان و مردان است (کرامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳۲).

یکی از گونه‌های متأخر اندیشه فمینیستی، که تحت تأثیر نظریه‌های پسا ساختارگرا و پسا مدرن فیلسوفانی چون دریدا<sup>۸</sup> و فوکو<sup>۹</sup> به وجود آمد، پست‌مدرنیسم است. پست‌مدرنیسم علت فرودستی زنان را رفتارهایی می‌داند که از تولد میان دختر و پسر تفاوت ایجاد می‌کند. فمینیست‌های پسا مدرن تعریف دوبووار از «دیگر بودن» رامی‌گیرند و آن را وارونه می‌سازند. به این ترتیب، زن هنوز «دیگری» است اما به جای اینکه این وضعیت را حالتی بدانیم که باید از آن به درامد و فراتر رفت، مزیت‌هایی برای آن برمی‌شمارند. وضعیت «دیگر بودن» به زنان امکان می‌دهد که از جایگاهی بیرونی به نقد هنجارها و ارزشها و رفتارهایی بپردازند که فرهنگ مسلط (مردسالاری) درصدد تحمیل آن بر همگان است؛ از جمله بر کسانی که پیرامون آنها زندگی می‌کنند و در این مورد برای زنان «دیگر بودن» نه تنها ستمبار و حقیر نیست بلکه حالتی از هستی و اندیشه و گفتار است که راه را برای بی‌پردگی، تکثر، تنوع و تفاوت بازمی‌کند (تانگ، ۱۳۸۷: ۳۴۸ و ۳۴۹).

هر یک از این نگرشها پاسخ مقطعی به «مسئله زن» است که چشم‌اندازی منحصر به فرد با نقاط قوت و ضعف نهفته در روش‌شناسی خود ارائه می‌کند (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۶). در واقع همین مرکزیت زن است که همه این نحله‌های فکری را دور هم جمع می‌کند. رابینز توصیف شوالتر از رهیافتهای فمینیستی را که شناساندن فمینیسم با زن - محوری، زن - مرکزی بود بجا و صحیح می‌داند و شرط تعریف خودش از فمینیسم را تعهد مضاعف برای جای دادن زنان در مرکز گفتمانهای نقادی ادبی می‌داند، به نظر وی آنچه همه نظریه‌های فمینیستی در آن شریک هستند، خواه نظریه‌های ادبی یا دیگر، تمرکز بر زنان است (رابینز، ۱۳۸۹: ۳۵).

در ایران پس از انقلاب مشروطه افکار فمینیستی - نه با عنوان فمینیسم - که در قالب ضرورت اصلاحاتی در قوانین، مثلاً کنترل چند همسری، بحث تحصیلات زنان و مسائلی از این دست مطرح شد (مدرسین، ۱۳۸۸: ۶۳). همچنین دیدگاه‌های نظری و برخی از مفاهیم فمینیستی در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. «در جلسات و سمینارهای مختلف درباره جنس و جنسیت و تأثیر جنسیت در حوزه‌های مختلف

زندگی زنان بحث می‌شود. کتابها و مقالات متعددی نیز درباره زنان در ایران چاپ شده است اما به نظر می‌رسد که نه فقط نامی از نظریه‌پردازان در این حوزه‌های دانشگاهی برده نمی‌شود بلکه به علت ناآشنایی همگانی با این دیدگاه‌های نظری، تصویری واهی از آنها وجود دارد» (اعزازی، ۱۳۸۶: ۸). امروزه به دلیل پرننگتر شدن هویت زنانه در جامعه و نمود آن در بخشهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و هنری، پژوهشهای زن‌محور اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در این میان مطالعات ادبی نیز فضایی بارور در نظریه فمینیستی به حساب می‌آید. در نتیجه تأثیر این جریان بر ادبیات ایران باعث شده است تا پژوهشگران نه تنها در آثار معاصر بلکه حتی در متون کهن نیز به دنبال ردپایی از این نگرش باشند و پژوهشهای زن‌محور (پژوهشهایی که با محوریت موضوع زن به جستجو پرداخته است.) از جنبه‌های مختلف بر متون کلاسیک و معاصر متمرکز شود.

یکی از ضروریات برای نگاه انتقادی دقیق بر پایه دیدگاه‌های نظری و جهتگیری علمی در پژوهشهای دانشگاهی در دسترس بودن چشم‌اندازی از پژوهشها و دستیابی به آثار و موضوعات با کاربرد نقد فمینیستی استو همین امر لزوم کار آماری و دقیق را در مورد پژوهشهای زن‌محور نشان می‌دهد. در همین راستا تاکنون کتابهای «کتابنامه آثار زنان ایران/ مؤلفین زن مترجمین زن: ۱۳۴۹» و «فهرست موضوعی کتب و مقالات درباره زن: ۱۳۶۶» و «منبع‌شناسی زنان: ۱۳۸۱» به چاپ رسیده؛ اما با گذشت یک دهه از چاپ آخرین کتاب، منبع دیگری برای نشان‌دادن دقیق کارهای پژوهشی زن‌محور ارائه نشده است، افزون بر اینکه در این کتابها تنها به معرفی و دسته‌بندی آثار عمومی پرداخته‌اند و اثری در دست نیست که به طور اختصاصی در مورد پژوهشهای ادبی زن‌محور به پژوهش پرداخته باشد. امروزه در بسیاری از عرصه‌های ادبی با استفاده از اطلاعات آماری پژوهشهایی ارائه شده است که برخی از آنها به دلیل اینکه تنها به آمار توصیفی اکتفا کرده‌اند، کمتر راهگشای دیگر پژوهشگران بوده‌اند (رعیت حسن‌آبادی و مهدوی: ۱۳۹۲). وجود کار آماری-تحلیلی بر روی پژوهشهای ادبی با محوریت موضوع زن، باعث پرهیز از تکرارها می‌شود و همچنین چشم‌اندازی وسیع‌تر در مقابل دیدگان پژوهشگران این عرصه قرار می‌دهد؛ میزان کار را مشخص می‌کند و جاهای خالی و بررسی‌نشده این نوع پژوهشها را نشان می‌دهد.

در این مقاله بر آن هستیم تا با آماربرداری از تمام کتابها، مقالات و پایان‌نامه‌ها درحوزه پژوهشهای ادبی زن‌محور از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۹۱ با ارائه نمودارهای متفاوت، که با

نرم‌افزار Office Excel تنظیم شده است به بحث و تحلیل در این باره بپردازیم. منابع جمع‌آوری فهرست کتابها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، کتاب منبع‌شناسی زنان، سایت رسمی کتابخانه ملی ایران، سایت رسمی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، سایت رسمی پایگاه مجلات تخصصی نور، سایت رسمی بانک اطلاعات نشریات ایران و سایت رسمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و سایت‌های رسمی دانشگاه‌های ایران است با این حال نویسنده ادعا ندارد که موردی از قلم نیفتاده باشد.

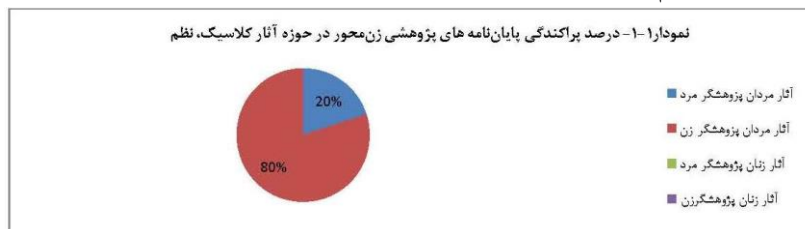
## ۲. نگاهی به پژوهش‌های ادبی زن‌محور از ۱۳۱۳ تا ۱۳۹۱

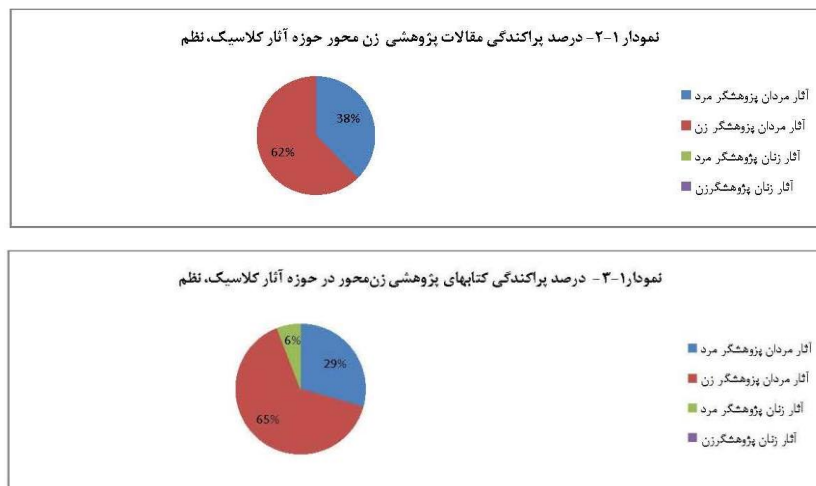
در این بخش به پژوهش‌های ادبی زن‌محور از سال ۱۳۱۳، که اولین مقاله پژوهشی در باره زنان در ادبیات در این سال نوشته شده است تا ۱۳۹۱ می‌پردازیم. این پژوهشها شامل کتاب، پایان‌نامه و مقالاتی است که با مراجعه به سایت‌های رسمی و کتاب منبع‌شناسی زنان با کلیدواژه‌های زن، فمینیسم و نقد فمینیستی جمع‌آوری شده است (میرزائیان، ۱۳۹۲: ۱۰ تا ۶۰). در این مقاله نمودارهای دایره‌ای نشان‌دهنده درصد پراکندگی کتابها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، و آثار پژوهشی به دو دسته آثار زنان و آثار مردان تقسیم شده است. در این دو دسته، دو تقسیم‌بندی دیگر بر اساس اینکه پژوهشگر زن و یا مرد است انجام شده است. نمودارهای ستونی ۱-۴، ۲-۴، ۳-۴ و ۴-۴ تعداد کارها بر روی آثار هر شاعر و یا نویسنده را نشان می‌دهد. نمودارهای ۱-۵، ۲-۵ و ۳-۵ تعداد پژوهشهایی را نشان می‌دهد که به طور کلی و نه در مورد اثر یک شخص خاص انجام شده است.

نمودارهای ۱-۶، ۲-۶ و ۳-۶ تعداد آثار پژوهشی را در هر سال نشان می‌دهد و نمودار ۴-۶ نشان‌دهنده میانگین تعداد آثار پژوهشی در دهه‌های مختلف است.

### ۲-۱ پژوهش در مورد آثار کلاسیک

#### ۱-۱-۲ کلاسیک، نظم





همان‌گونه که در نمودارهای ۱-۱، ۱-۲ و ۱-۳ نشان داده شده بیشترین میزان پژوهش در حوزه آثار کلاسیک نظم در مورد آثار مردان است و با توجه به تعداد قابل توجه شاعران کلاسیک مرد نسبت به زن در دوره کلاسیک ادب فارسی، این مسئله کاملاً معنی‌دار است. تنها کاری که در مورد آثار زنان در این قسمت انجام شده، کار روی شعر مهستی گنجه‌ای است که در نمودار ۱-۳ مشخص شده است. مطلب حائز اهمیت دیگر در این پژوهشها درصد زیاد پژوهشگران زنان نسبت به مردان است. در بخش پایان‌نامه‌ها ۸۰٪، در بخش کتابها ۶۵٪ و در بخش مقالات ۶۲٪ از پژوهشگران زنان هستند. درصد زیاد پژوهشگران زن نسبت به پژوهشگران مرد نشان‌دهنده تلاش و تکاپوی زنان برای بازگشت به گذشته دریافت رد و نشان دادن چهره خود در شعر کلاسیک است. برای قرنهای متمادی قلم در دست مردان بوده است و زنان در نقشهایی همچون همسر، معشوق و مادر بدون اینکه بخواهند به تصاویری کلیشه‌ای و تقریباً یکسان مبدل شده‌اند. حال که مجال نوشتن و پژوهش به زنان رسیده است زنان در پی بررسی تصویر خود در گذشته و یافتن رگه‌های واقعیت در ورای تصاویر کلیشه‌ای در متون کهن هستند. این بازنگری در تاریخچه نقد ادبی فمینیستی در غرب نیز به چشم می‌خورد. «در نقد ادبی فمینیستی زنان منتقد در ابتدای پیدایش خود از نیروی تازه خیزش دوم جنبش زنان در غرب بهره‌مندی برند و ستیزندگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. شاخصترین آثاری که در این دوره به نگارش در آمد، نمودار این است که در





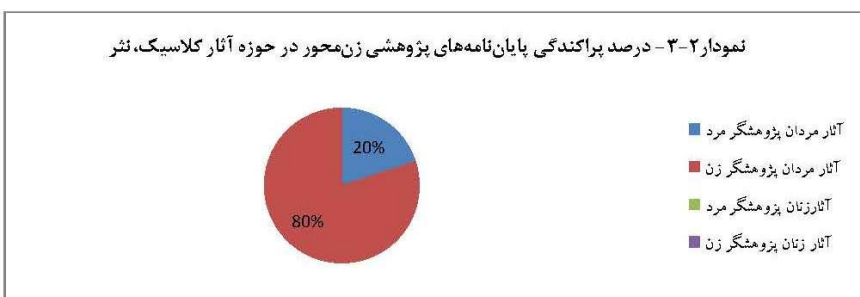
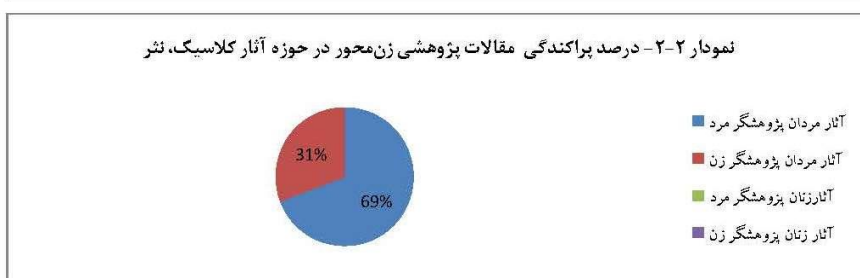
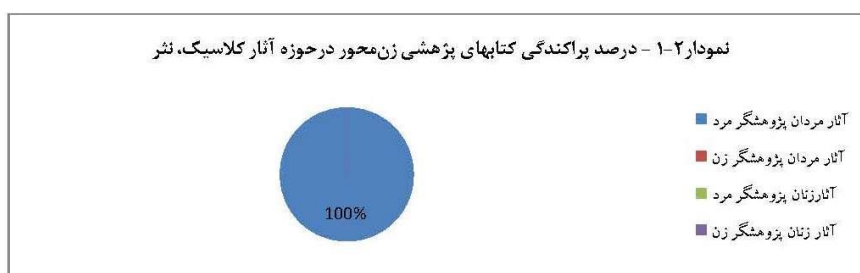
است. می‌توان گفت یکی از ملاکهای برگزیده شدن این آثار توسط پژوهشگران برای پژوهش زن‌محور، علاوه بر شهرت این آثار، ساختار این مجموعه‌ها است. این آثار شامل حکایات و داستانها است. از آنجا که حضور زن در حکایات و داستانها به عنوان شخصیت‌های سازنده اثر ناگزیر بیشتر از دیگر ژانرها است، این آثار بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند.

در شاهنامه تعداد زنان نقش‌آفرین نسبت به دیگر آثار کلاسیک مثال‌زدنی است. در بسیاری از تمثیلهای مثنوی معنوی مولانا زنان جای دارند. در برخی از این تمثیلهای زنان مظهر نفس و حرص و دارای صفات منفی هستند (امامی، ۱۳۸۸: ۲۷). روی دیگر نگاه مولانا توجه او به مسئله زوجیت عناصر، توافق اخلاقی در مسائل زناشویی، و اینکه او معتقد است دلیل برتری انسانها به دلیل جنسیت آنها نیست (علیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). در آثار نظامی بویژه در منظومه‌های عاشقانه او حضور زن در نقشهای همسر و معشوق و تفاوت هر کدام از این زنان در منظومه‌ای با منظومه دیگر از آثار نظامی و یا دیگر آثار ادبی، زمینه‌های مناسبی را برای پژوهش زن‌محور فراهم آورده است. اما با وجود فراوانی پژوهشها در این حوزه هنوز سؤالات بسیاری درباره زنان در آثار کلاسیک همچون شاهنامه، مثنوی معنوی، آثار نظامی و ... مطرح است که هنوز بدون پاسخ مانده و یا اگر پاسخی درباره آنها داده شده همه‌جانبه و عاری از تعصب نبوده است؛ به عنوان مثال در مورد شاهنامه با اینکه بیشترین میزان پژوهش انجام شده، بیشتر این پژوهشها با عناوین کلی و اغلب با سوگیری اولیه انجام شده است و اغلب در پی اثبات این مطلب هستند که به مخاطب بقبولانند زن در شاهنامه فردوسی و در نتیجه در ایران باستان جایگاهی متفاوت از دیگر ملتها و دیگر زمانها داشته و به بسیاری از نقاط مبهم در این زمینه، توجه شایانی نشده است (میرزائیان، ۱۳۹۲: ۱۲۵ تا ۱۵۶).

نکته قابل توجه در مورد پژوهشها در این حوزه کلاسیک، جای خالی کار در مورد شعر رابعه است، با توجه به زن بودن رابعه این جای خالی برای نشان‌دادن نگاه زنانه به حضور زن در شعر کاملاً محسوس است؛ همچنین درباره شعر مهستی گنجه‌ای نیز کار علمی و دانشگاهی (مقاله یا پایان‌نامه) نیست و مانند شعر رابعه خلاً بررسی و تحلیل شعر مهستی گنجه‌ای از دید فمینیستی و زن‌محور مشهود است. این کمبودها نشان می‌دهد که زنان پژوهشگر به بررسی آثار مردان و کشف نوع نگاه آنها راغبترند تا زنان،

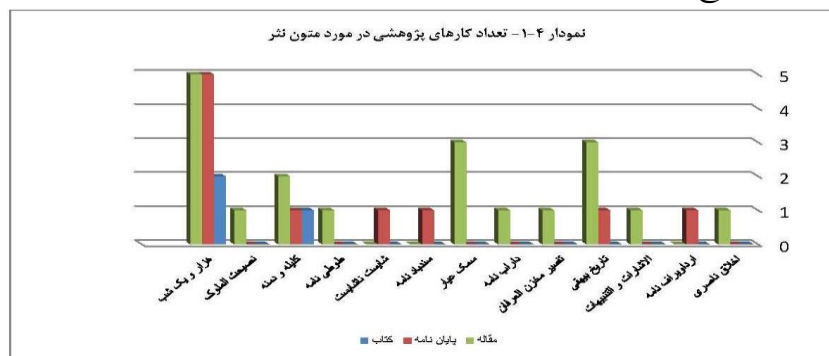
افزون بر اینکه نوع روایت حاکم بر آثار زنان کلاسیک تحت تأثیر روایت مردانه است. پذیرفتن این نوع روایت مسلط، آنها را از گردونه نقد زنانه خارج کرده است اما امروزه با پررنگ شدن ذهن و زبان زنانه، نویسندگان و شاعران زن بیشتر زیر ذره بین هستند تا راویان جنس خود باشند.

### ۲-۱-۲ کلاسیک، نثر



آثار نثر کلاسیک ما شامل متون عرفانی، تاریخی، داستانی و ... است که به دلیل غالب بودن فرهنگ مردسالار، زنان در کمینه حضور و نقش‌آفرینی قرار دارند. در اغلب این متون یا اصلاً از زنان ردی نیست یا اگر هست در دو تصویر «زن صالح»، «زن فاسد» ثابت شده، و هویت واقعی زنان کمتر مجال بروز یافته است.

در حوزه آثار کلاسیک نثر، نویسنده زن نداریم و درباب آثار مردان نیز در این بخش تنها پژوهشگران مرد به تألیف کتاب پرداخته، و سیمای زن را در متون نثر کلاسیک بررسی کرده‌اند. تنها دو کتاب «سیمای زن در کلیله و دمنه به اضافه مقالاتی از اسائه ادب» و «زنانگی و روایتگری در هزار و یکشب» تألیف شده که نمودار ۲-۴ بیانگر همین است. به دلیل نگاه کاملاً مردانه به زن و هویدا نبودن شخصیت زنانه در آثاری چون تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه و آثاری از این دست، کمتر مؤلفان زن ترغیب شده‌اند تا توصیف همجنسان خود را در آینه این آثار بیابند، اما این آثار هنوز می‌تواند منابع خوبی برای بررسی با دیدگاه‌های تازه و دقیقتر باشد. بررسی و مقایسه جایگاه زن در متون تاریخی، سفرنامه‌ها، متون عرفانی، داستانی و ... می‌تواند فراز و فرودهای حیات اجتماعی را نشان دهد. شاید با دیدگاهی روانشناسانه و یا جامعه‌شناسانه بتوان پاسخی برای فریبکاری و بدعهدی زنان ساخته ذهن مردان در متون کهن یافت و با این ریشه‌یابی بتوان برخی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی را مورد آسیب‌شناسی قرار داد. در بخش پایان‌نامه‌ها برخلاف بخش کتاب و مقاله درصد بیشتر پژوهشگران زنان هستند. ۸۰ درصد از پایان‌نامه‌ها توسط زنان نوشته شده است. این نکته می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که همچنان زنان دانشجو به این موضوعات توجه بیشتری نشان داده‌اند و با گسترش نظریه‌ها و دقیق شدن مباحث در حوزه‌های دانشگاهی، پژوهشها از دیدگاه‌های مختلف به‌طور جزئی‌تر مورد توجه قرار گرفته است و صرف اینکه اثری ظاهراً جای کار داشته باشد یا نه مورد توجه نیست و تنها به ظهور زن و چگونگی سیمای آن بسنده نمی‌کنند بلکه ممکن است با کشف لایه‌های پنهان متن و گفتمان حاکم بر آن به نتایج قابل توجهی برسد.

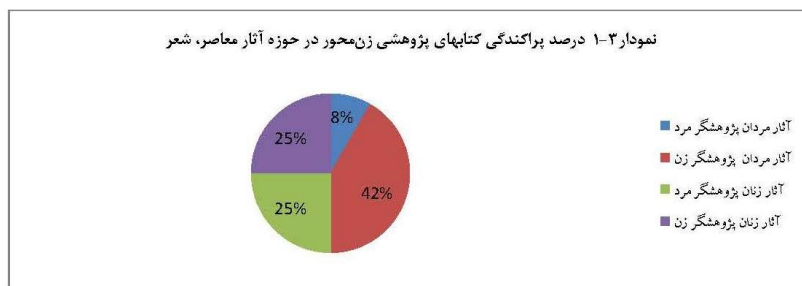


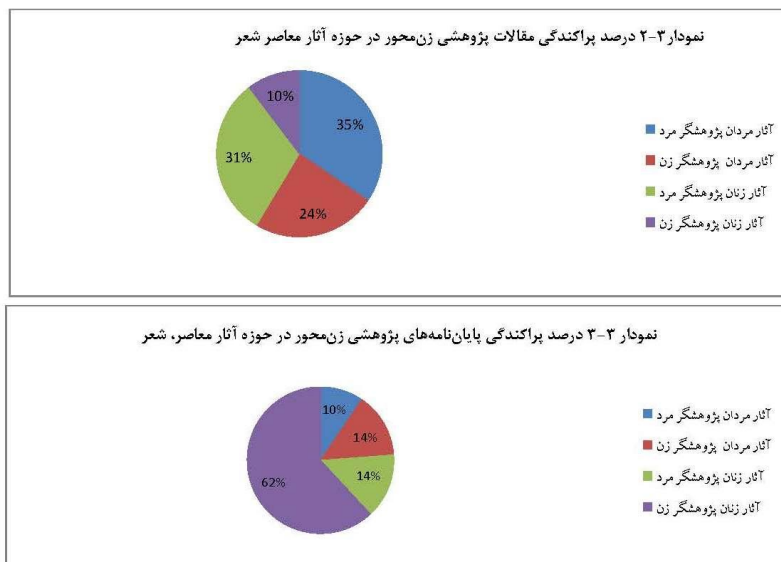
همان طور که در نمودار نشان داده شده بیشترین درصد پژوهش‌ها به نثرهای داستانی مربوط است و این حاکی از نکته‌ای است که به آن اشاره شد، حضور کمینه زنان در سایر متون کهن. بین متون نثر، هزار و یکشب بیشترین میزان پژوهش را به خود اختصاص داده است. هزار و یکشب قدیمیترین متنی است که راوی آن زن است و سابقه روایت زنانه به این کتاب می‌رسد. «بارزترین تصویری که از زن در دوران پیش از نوشتار (نوشتن زن) ارائه شده، تصویر «شهرزاد» قهرمان داستانهای هزار و یکشب است که در آن نه تنها به گفتار و حکایتگری—یعنی تألیف صرف— می‌پرداخت بلکه با مرد و نیز همراه با او از یک سو با مرگ روبه‌رو بود و از سوی دیگر از ارزش اخلاقی و معنوی خویش دفاع می‌کرد؛ بدین سبب بررسی تصویر زن از طریق شهرزاد در واقع بررسی دوران فرهنگی و تمدنی همه‌جانبه است؛ نیز این کار فهم دوباره تاریخی است که پرده از زن به مثابه الگو و نیز به مثابه کنش و زبان برمی‌دارد و در پایان مخیله فرهنگی جامعه و جایگاه زن را در آن بازمی‌نمایاند» (غذامی، ۱۳۸۶: ۶۱). می‌توان گفت به همین دلیل این اثر بیشترین میزان پژوهش را به خود اختصاص داده است.

همان گونه که در نمودار مشخص است جای خالی کار در مورد متون پهلوی به چشم می‌خورد. با رجوع به متون کهن و ردیابی ایزد بانوان و یافتن رگه‌هایی از دوران زن‌سالاری در جوامع گذشته و می‌زان تأثیر این فرهنگ در دوره‌های بعد و همچنین بررسی تأثیرپذیری مترجمان متون کهن از فرهنگ‌هایی چون عربی و هندی می‌توان جایگاه واقعی زن در ایران را در دوره‌های مختلف بهتر درک و واکاوی کرد.

## ۲-۲ پژوهش در مورد آثار معاصر

### ۲-۲-۱ معاصر، شعر

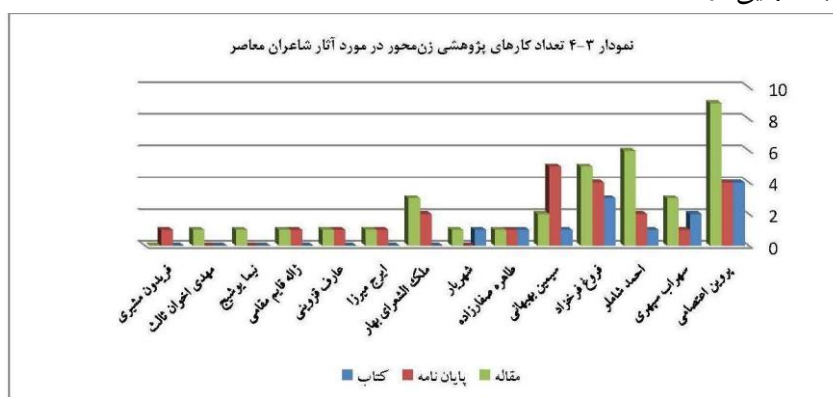




در شعر کلاسیک زنان، آن چنانکه فرهنگ مردسالار اراده کرده بود نشان داده شدند و بیشترین تحسینها و ستایشها تنها برای زیبایی زنان بود؛ آنچه در بسیاری از نظریات فمینیستی مورد نقد و انتقاد است. پس از انقلاب مشروطه و رسیدن صدای آزادیخواهی زنان جهان به ایران و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم جنبشهای فمینیستی فرهنگ جامعه، حضور زنان در شعر معاصر دستخوش تغییراتی شد. تصویر قالبی و صامت زنان به زنی پویا تبدیل شد که حرفی برای گفتن دارد. حضور بیش از پیش زنان در جامعه و آگاهی یافتن آنها از حقوق اجتماعی خود باعث شد مردان شاعر به هویت واقعی زن نزدیکتر شوند و زنان شاعر حرفهای در گلو خفته‌شده خود را در شعرها فریاد زنند. این تغییرات از چشم پژوهشگران دور نمانده است.

در حوزه شعر معاصر تعداد کتابهای پژوهشی زن‌محور در مورد آثار زنان و مردان یکسان است و همچنین در مورد آثار زنان، پژوهشگران زن و مرد به یکمی‌زان قلم‌فرسایی کرده‌اند اما در بخش مربوط به آثار مردان درصد قابل توجهی از پژوهشها، ۴۲٪، توسط زنان انجام گرفته است. در بخش مقالات بیشترین میزان پژوهش در مورد آثار مردان انجام گرفته، ۳۵٪ توسط مردان و ۲۴٪ توسط زنان بر شعر معاصر پژوهش شده است. در بخش پایان‌نامه‌ها ۷۶٪ از پژوهشها بر آثار زنان بوده که ۶۲٪ از این پژوهشها نیز توسط خود زنان صورت گرفته است. با توجه به پررنگتر شدن حضور زن

در شعر معاصر مردان و تأثیرپذیری آنها از موج فمینیسم، همچنین متفاوت شدن و نزدیک به واقعیتتر شدن چهره زن در این شعرها، زنان بیشتر ترغیب شده‌اند تا برای بیان هویت خود در آثار معاصر در شعر مردان به جستجو پردازند. همچنین با بیان نقصها، کاستیها و نگرشهای غلط به زنان، که به نوعی در این اشعار انعکاس یافته است در واقع به نقد جامعه‌ای پردازند که این اشعار در آن ظهور یافته و این شعر نماینده تفکر بخشهایی از آن جامعه است.

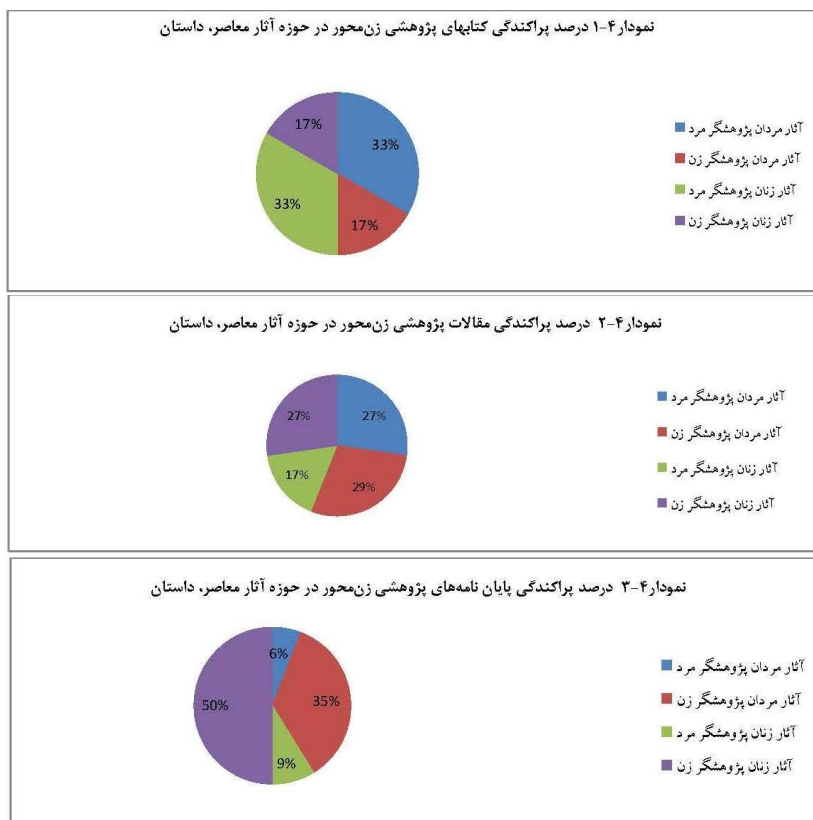


در حوزه شعر معاصر تقریباً در مورد شعر تمام زنان معروف معاصر کار شده است. علاوه بر نام شاعرانی که در نمودار مشخص شده در مورد آثار شاعران دیگر نیز کار شده که به دلیل اینکه فقط یک پایان نامه<sup>۱۰</sup> و یا فقط یک مقاله<sup>۱۱</sup> انجام شده است در نمودار نشان داده نشد. جای خالی پژوهشی که در شعر کلاسیک وجود داشت در شعر معاصر وجود ندارد. این نشان می‌دهد که در جریان پژوهشها به ترتیب شهرت و جایگاه شاعر یکی از ملاکهای انتخاب برای کار بوده است. در شعر کلاسیک دغدغه پژوهش بر حضور زن در شعر است اما در شعر معاصر خود زن به عنوان راوی زن و زنانگی وجود دارد و به همین دلیل می‌توان گفت که درصد بیشتری از پژوهشها در شعر معاصر به شعر زنان اختصاص دارد و تقریباً تمام شاعران زن مطرح برای پژوهش برگزیده شده‌اند. بین شاعران نامبرده بیشترین پژوهشها در مورد شعر پروین اعتصامی انجام شده و پس از آن احمد شاملو، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی بیشترین میزان پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند. ضمن اینکه پروین اعتصامی با اینکه شاعری معاصر است در واقع پیوندی میان شعر کلاسیک و معاصر است. در مورد زنانگی در شعر او بحثهای زیادی وجود داشته مثلاً عبدالحسین زرین کوب او را «زنی مردانه» و

رضا براهنی وی را «یک لافونتین مؤنث، یک ناصرخسرو مؤنث و...» می‌داند (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۱). و برخی پژوهشگران با توجه به نشانه‌های زبان‌شناختی زنانه‌سرایبی او را تأیید کرده‌اند (شریف و بردبار، ۱۳۸۹).

شاملو بهترین عاشقانه‌های زبان فارسی را برای معشوق و همسرش آیدا سروده است. این زن تأثیر زیادی بر شعر او گذاشته است و شاعر بسیاری از مکنونات و منویات خود را از راه عشق با این زن بیان می‌کند (شکیبی ممتاز، ۱۳۸۷: ۸۱). شعر فروغ فریاد اعتراض زن معاصر بر سر تمام سنتها و قراردادهای محدودکننده زن است (سید رضایی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). از این رو یافتن جنبه‌های زنانه در شعر این شاعران بیش از دیگران مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

## ۲-۲- آثار معاصر، داستان



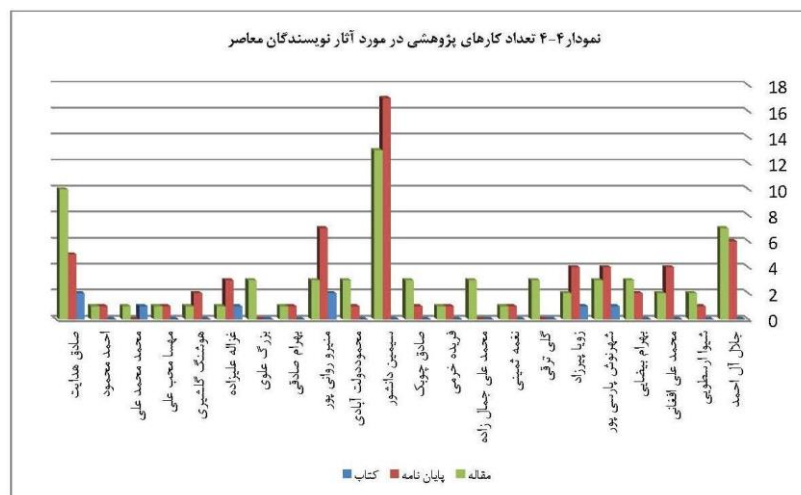


چه در ادبیات کلاسیک و چه در ادب معاصر، بیشترین حضور نزدیک به واقعیت زنان را در گونه داستان شاهد هستیم. زنان در داستان کلاسیک در لابه‌لای حکایتها و تمثیلهای رخ می‌نمایند و امروزه با پیدایش ادبیات داستانی به سبک و سیاق جدید، زنان در نقش شخصیتهای اصلی و فرعی داستانها حضور دارند. این حضور رو به پیشرفت را برخی از پژوهشگران مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند.

کتابهای پژوهشی در حوزه ادبیات داستانی در مورد آثار زنان و مردان به یک اندازه است؛ همچنین پژوهشگران مرد و زن نیز به یک میزان در این حوزه پژوهش کرده‌اند. در بخش مقالات در مورد آثار مردان ۵۶٪ و در مورد آثار زنان ۴۴٪ کار شده که ۵۶٪ کل این پژوهشها توسط زنان انجام شده است. در بخش پایان‌نامه‌ها نیز درصد پژوهش درباره آثار زنان و مردان نزدیک به هم است ۴۱٪ در مورد آثار مردان و ۵۹٪ در مورد آثار زنان کار شده است. ۳۵٪ پژوهشها درباره آثار مردان و ۵۰٪ پژوهشها در مورد آثار زنان توسط زنان انجام شده است.

رمان را بسیاری یک فرم ادبی می‌دانند که بسیار قابل توجه به زنان است در جهان غرب در سده نوزدهم، تقاضاهای فزاینده زنان برای برخورداری از حق رأی، حق مالکیت، انسان شناخته شدن، استقلال و آزاد زیستن، جان تازه‌ای به آن بخشیده بود. گسترش جسورانه، پر دامنه و قاطعی که نویسندگان زن در فرم ادبی رمان پدید آوردند تا همه این گونه مسائل را به تفصیل دربرگیرد، راهی مخصوص به خود آنها را برای برقرار کردن رابطه با مسائلی از این دست در برابرشان می‌گشود و گواهی دیگر بر آسانی گونه رمان در نظر ایشان و تناسب آن با نیازهای خلاقه و فرهنگی‌شان بود تا بدانجا که حتی سنت نوشتن زنانه رمان را مطرح کرد (مایلز، ۱۳۸۰: ۹۲). «وقتی نویسنده زن به قلم دست می‌برد در بسیاری مواقع روابط سنتی میان نویسنده/شاعر و مخاطب وارونه می‌شود؛ «وقتی زنان به جای اینکه درباره‌شان گفته و نوشته شود، خود بگویند و بنویسند، اوضاع دگرگون خواهد بود» (آلن، ۱۳۸۹: ۲۰۶). خلق مناسبات جدید به وسیله زنان نویسنده، مناسبات پیشین را متحول می‌کند. اگر نویسندگان مرد دیروز با قدرت و اقتدار، روایت مردانه‌ای از جهان خود داشته‌اند و زنان امروز به دنبال چهره خود آثار آنان را مورد پژوهش قرار می‌دهند، امروز که زنان نیز همپای مردان می‌نویسند، موجب نگرش تازه‌ای است و نویسنده مرد و پژوهشگر مرد را نیز وامی‌دارد تا در آثار زنان به

دنبال ذهن و زبان زنانه باشد. در ایران نیز در حوزه آثار داستانی از آنجا که زنان نه تنها تقریباً همزمان با مردان شروع به نوشتن کردند بلکه حضور پررنگ و قابل توجهی داشته‌اند و همچنین برخلاف متون نثر کلاسیک، زنان در آثار داستانی مردان، نقش کلیدیتر و پررنگتری ایفا می‌کنند و زنان به عنوان شخصیت اصلی و یا فرعی در این داستانها با دیدی واقع‌گرایانه‌تر، ایفای نقش می‌کنند. همین امر سبب می‌شود که بررسی حضور زنان در این آثار چالش‌برانگیز باشد. تعداد کتابهای پژوهشی در مورد آثار زنان و مردان نیز به یک میزان است و همچنین درصد پژوهشگران زن و مرد برای هر دو گروه یکسان است و این تساوی اهمیت نگاه زن‌محور و پژوهشهای زنان را برای مردان در مورد کارهای داستانی معاصر نشان می‌دهد و بیانگر این است که نه تنها زنان به دنبال هویت زنانه خود در آثار داستانی هستند بلکه مردان نیز برای یافتن ردپای زنانگی در آثار داستانی معاصر، ارزش و اهمیت قائل هستند.



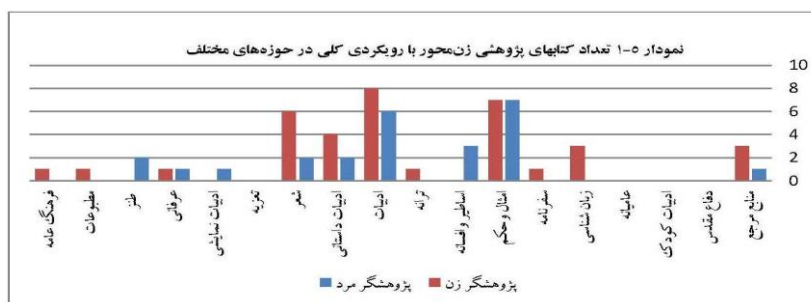
در حوزه ادبیات داستانی در مورد آثار بیشتر نویسندگان معاصر پژوهش شده است. علاوه بر نویسندگانی که نام آنها در نمودار مشخص است درباره آثار برخی از نویسندگان تنها یک پایان‌نامه<sup>۱۲</sup> و یا یک مقاله<sup>۱۳</sup> کار شده است که به دلیل زیاد بودن نامها در نمودار نشان داده نشده است. بیشترین تعداد کارهای پژوهشی درباره آثار سیمین دانشور انجام شده و پس از آن آثار صادق هدایت و جلال آل‌احمد بیشترین میزان پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند. سیمین دانشور به عنوان اولین نویسنده زن ایرانی بین نویسندگان از شهرت زیادی برخوردار است؛ همچنین زن بودن دانشور

علاوه بر شهرتش و اینکه شخصیت‌های اصلی در داستان‌های او زن هستند و نیز وی دغدغه پرداختن به ذهنیت زن ایرانی را دارد و در واقع نخستین آرای فمینیستی را در قالب داستان در آثار او می‌توان یافت، دلایل خوبی برای برگزیده شدن آثارش برای پژوهش‌های زن‌محور است. قرار گرفتن جلال آل‌احمد در کنار سیمین دانشور به عنوان همسر، زیر یک سقف بودن و قرار گرفتن در فضای اجتماعی همسان، بستر مناسبی برای مقایسه ایجاد می‌کند. در آثار صادق هدایت نیز وجه پررنگ زن بویژه دو چهره «اثری» و «لکاته» و امکان نقد از دیدگاه‌های مختلف مانند کهن‌الگویی و روانشناختی، دلایلی است که بیشتر، پژوهشگران را وامی‌دارد تا درباره آثار این نویسنده به تحلیل و بررسی بپردازند. نکته قابل توجه دیگر بین نویسندگان زن این است که کسانی که در محافل ادبی حائز رتبه شده‌اند نیز از جمله کسانی هستند که آثارشان برای پژوهش برگزیده شده است. مطلب دیگر تعداد زیاد نویسندگانی است که در مورد آثار آنها پژوهش‌های زن‌محور انجام شده که برخی از آنها شهرت کمتری دارند و با توجه به اینکه درباره آثار این نویسندگان بیشتر کار دانشگاهی (مقاله یا پایان‌نامه) انجام شده است، می‌توان گفت جدیدتر شدن نگاه به زن در داستان معاصر بویژه در آثاری که شهرت کمتری دارند، دلیل خوبی است برای اینکه به صورت علمی و منطبق بر نظریه‌های ادبی در مورد این آثار پژوهش زن‌محور انجام شود.

### ۲-۳ آثار پژوهشی با رویکرد کلی

نمودارهای ۱-۵، ۲-۵ و ۳-۵ تعداد آثاری را نشان می‌دهد که به صورت کلی (و نه درباره اثر شخص خاص) به پژوهش زن‌محور در آثار ادبی پرداخته، و در دسته‌بندی‌های قبلی به همین دلیل کلی بودن قرار نگرفته‌اند.

### ۲-۳-۱ آثار پژوهشی با رویکرد کلی

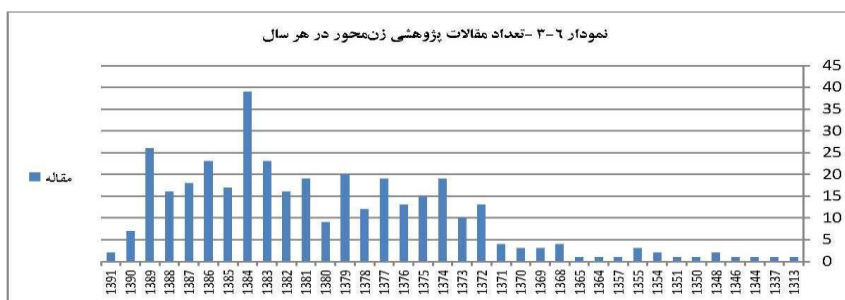
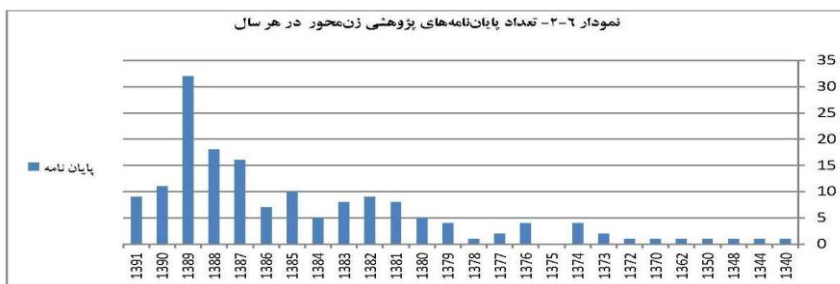
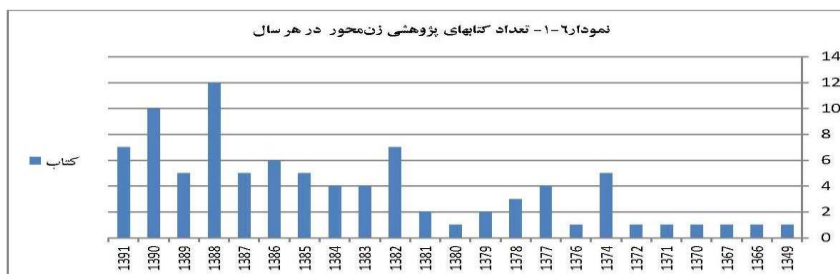




فرهنگی اجتماع پردازد و لذا پژوهش زن‌محور در زمینه‌هایی چون طنز، ترانه، فرهنگ عامه، مطبوعات و ... می‌تواند بخشی از کمبودهای پژوهشی را در این زمینه جبران کند.

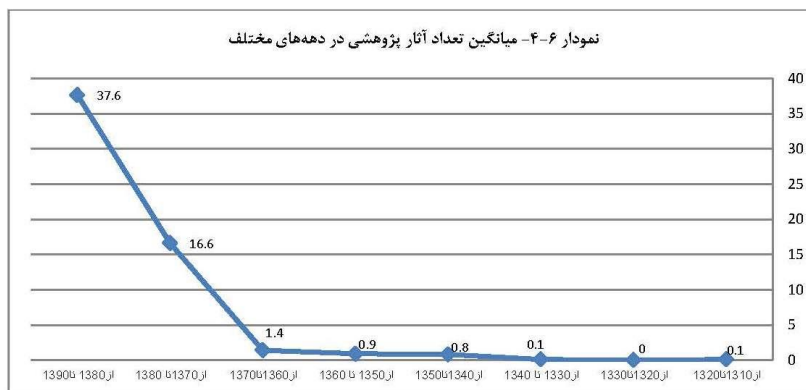
## ۲-۴ دسته‌بندی بر اساس تاریخ نشر

در نمودارهای این بخش (۶-۶، ۶-۶ و ۶-۳) تعداد کتاب، پایان‌نامه و مقالات تألیف شده در هر سال مشخص شده و در نمودار ۶-۴ میانگین کل آثار پژوهشی تألیف شده در دهه‌های مختلف به نمایش گذاشته شده است.



نمودارها بر اساس تعداد آثار در هر سال، هم در مورد کتاب، هم مقاله و هم پایان‌نامه نشان‌دهنده روندی رو به پیشرفت در نمای کلی است. آمار بیانگر این است که

تا قبل از ۱۳۴۹، کتاب پژوهشی با موضوع زن‌محور، تألیف نشده و این آغاز نشان‌دهنده تغییر نگرشها در مورد زنان در جامعه آن زمان است؛ تغییری که در آن برهه زمانی آن چنان محسوس شده است که پژوهشگران را بر آن وادارد تا بررسی و تحلیلهای خود را در مورد حضور زنان در ادبیات به صورت مکتوب به جامعه عرضه کنند. این تغییر، که نشأت گرفته از تغییر اندیشه‌هاست، کم‌کم در جامعه پررنگتر می‌شود و با اینکه در دهه هفتاد در بخش کتابهای پژوهشی زن‌محور سیر نزولی را شاهد هستیم نسبت به دهه‌های قبل تعداد آثار بیشتر است. در دهه هشتاد، ماکزیمم نمودار روی سال ۱۳۸۸ است که تعداد کتابهای این سال نسبت به سالهای قبل و بعد از آن قابل ملاحظه است. در بخش پایان‌نامه‌ها نیز نمای کلی نمودار، روندی مشابه نمودار مربوط به کتابها دارد. در دهه‌های چهل، پنجاه و شصت تعداد پایان‌نامه‌ها انگشت‌شمار است اما در سالهای اول دهه هفتاد کمی روند رو به رشد را شاهد هستیم، اگرچه در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ نمودار سیر نزولی دارد در دهه هشتاد ما با روندی رو به رشد در نمای کلی روبه‌رو هستیم که باز هم ماکزیمم نمودار در دهه هشتاد است. همین روند در مقالات نیز تکرار شده است؛ روندی تقریباً یکسان تا قبل از دهه هفتاد و شروع روند افزایش در آغاز دهه هفتاد، اوج و فرودهای متوالی و به اوج رسیدن در دهه هشتاد. نمودار زیر به طور کلی نشان می‌دهد میانگین آثار پژوهشی در دهه‌های مختلف روندی رو به رشد داشته است.



### نتیجه‌گیری

بررسیها نشان داد که با ظهور و گسترش موج فمینیستی در ایران و تأثیر آن در جنبه‌های مختلف فکری، سیر پژوهشهای ادبی در این راستا نیز رو به افزایش گذاشت

و پژوهشگران به بررسی جنبه‌های مختلف حضور زن در ادبیات پرداخته‌اند اما در این میان پژوهشگران زن سهم بیشتری در این پژوهشها دارند و به دنبال هویت زن در ادبیات کلاسیک و معاصر بوده‌اند. آمارها حاکی است که در شعر کلاسیک بیش از همه درباره شاهنامه فردوسی و پس از آن مثنوی معنوی مولانا و منظومه‌های غنایی نظامی، پژوهش انجام شده و جای خالی کار در مورد شعر زنان کلاسیک (رابعه و مهستی گنجه‌ای) مشهود است. بین متون نثر، هزار و یکشب بیشترین میزان پژوهش را به خود اختصاص داده است که با توجه به اینکه سابقه روایت زنانه به این کتاب می‌رسد، دور از انتظار نیست که این کتاب بین دیگر متون نثر بیشترین درصد پژوهش را داشته باشد. در حوزه شعر معاصر تقریباً در مورد شعر تمام زنان نامی معاصر پژوهش انجام شده است. شعر پروین اعتصامی در این میان بیشترین سهم پژوهش را دارد. در حوزه ادبیات داستانی نیز بر روی آثار بیشتر نویسندگان زن کار شده است و بیشترین سهم پژوهشها درباره آثار سیمین دانشور انجام شده و جالب است که جلال آل‌احمد (همسر سیمین دانشور) نیز سهم بسیاری از این پژوهشها داشته است. متون طنز، نمایشنامه‌ها، سفرنامه‌ها، ترانه‌ها و متون ادبی دیگری از این دست هست که کمتر مورد نقد و بررسی زن‌محور قرار گرفته است و بستر مناسبی برای این نوع پژوهش خواهد بود. آماربرداری از کارهای پژوهشی در سالهای مختلف فرازاها و فرودهای متوالی را نشان می‌دهد اما روند در نمای کلی رو به رشد است که این مطلب را میانگین تعداد آثار در دهه‌های مختلف تأیید می‌کند. میانگین تعداد آثار در دهه هشتاد افزایش چشمگیر این پژوهشها را نشان می‌دهد که همین مطلب لزوم کار آماری دقیق در مورد این پژوهشها برای نشان‌دادن تکرارها، جاهای خالی و همچنین موضوعات پژوهش شده را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت

1. Mary Wollstonecraft
2. Harriet Taylor
3. Joun StuartMill
4. Shulmith firestone
5. Kate Millett
6. Simone De Beauvoir
7. Jean-Paul Sartre
8. Jacques Derrida

منابع  
کتابها

۹. Paul Michel Foucault

۱۰. در مورد آثار این شاعران هر کدام یک پایان‌نامه با موضوع زن‌محور نوشته شده است: سپیده کاشانی، حسین منزوی، افسانه شعبان نژاد، اسداله شعبانی، میرزاده عشقی، سید اشرف‌الدین گرگانی، پروین دولت‌آبادی و ژاله اصفهانی.
۱۱. در مورد آثار این شاعران هر کدام یک مقاله با موضوع زن‌محور نوشته شده است: احمد ناظرزاده کرمانی، ابوالقاسم حالت، آذر بیگدلی، مفتون همدانی، احمد کسروی، رشید یاسمی، حمیدی شیرازی، امیری فیروزکوهی، پژمان بختیاری، وحید دستگردی، هنرمندی، کاسبی، حبیب‌اللهی، صهبا، نظام وفا، بزرگ وفا، بزرگ‌نیا، نادر پور و توللی. در مورد شعر کسری (علی) عنقایی نیز یک کتاب پژوهشی با موضوع زن‌محور به چاپ رسیده است.
۱۲. در مورد آثار این نویسندگان، هر کدام یک پایان‌نامه با موضوع زن‌محور نوشته شده است: فرخنده آقایی، شیوا مقانلو، سارا سالار، ابوالفضل صبحی، مرتضی مشفق کاظمی، امین فقیری، چیستا یثربی، مرجان شیرمحمدی، آذر دخت بهرامی و پرینوش صنیعی.
۱۳. در مورد آثار این نویسندگان، هر کدام یک مقاله با موضوع زن‌محور نوشته شده است: ناهید کبیری، سپیده شاملو، فرشته احمدی، پاکسیما مجوزی، محبوبه میرقدیری، صمد بهرنگی، محسن مخملباف، محمد گلابدره‌ای، مجید شریف، محمد بهارلو، روح‌انگیز شریفیان، مهشید امیرشاهی و بیژن نجدی.

- آلن، گراهام؛ *بینامتنیت*؛ ترجمه پیام یزدانجو؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵/۱۹۶۳.
- احمدی، پگاه؛ *شعر زن از آغاز تا امروز*؛ تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۳.
- تانگ، رزمی؛ *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*؛ ترجمه منیژه نجم عراقی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۷/۱۹۴۷.
- رایینز، روت؛ *فمینیسم‌های ادبی*؛ ترجمه احمد ابومحسوب؛ تهران: نشر افراز، ۱۳۸۹.
- سبزیان، سعید و میرجلال‌الدین کزازی؛ *فرهنگ نظریه و نقد ادبی*؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۸.
- غذامی، عبدالله؛ *زن و زنان*؛ ترجمه هدی عوده تبار؛ تهران: گام نو، ۱۳۸۶.
- کلیگر، مری؛ *درسنامه نظریه ادبی*؛ ترجمه جلال سخنور؛ تهران: انتشارات اختران، ۱۳۸۸.
- نجم عراقی، منیژه و دیگران؛ *منبع‌شناسی زنان*؛ تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۱.



\_\_\_\_\_؛ زن و ادبیات؛ تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۵.

مایلز، رزالیند؛ *زنان و رمان*؛ ترجمه علی آذرنگ [جباری]؛ تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰.

ویلم برتنز، یوهانس؛ *نظریه ادبی*؛ ترجمه فرزانه سجودی؛ چ ۲، تهران: انتشارات آهنگی دیگر، ۱۳۸۸.

### مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها

امامی، نصرالله؛ «زن در مثنوی مولوی»، *نشریه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی*؛ ش ۱، ۱۳۸۸، ص ۲۷ تا ۳۴.

پیشگاهی‌فرد، زهرا و امیر قدسی؛ «نظریه‌های فرهنگی فمینیسم و دلالت‌های آن بر جامعه ایران»، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*؛ دوره ۱، ش ۳، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹ تا ۱۳۲.

خسروی‌شکیب، محمد؛ «بررسی اندیشه فمینیسم در آثار شهرنوش پارسی‌پور و مارگاریت دوراس»، *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی*؛ دوره ۴، ش ۱۵، ۱۳۸۹، ص ۸۱ تا ۹۵.

رعیت حسن‌آبادی، علیرضا و محمد جواد مهدوی؛ «نقدی بر کاربرد آمار در پژوهش‌های ادبی با معرفی نرم‌افزار SPSS»، *فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی*؛ دوره ۶، ش ۲۱، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱ تا ۲۱۳.

سید رضایی، طاهره؛ «زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد»، *نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا*؛ دوره ۱، ش ۱، ۱۳۸۹، ص ۹۷ تا ۱۲۲.

شریف مقدم، آزاده و آناهیتا بردبار؛ «تمایز گونگی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی (پژوهش زبان‌شناختی)»، *نشریه زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*؛ دوره ۲، ش ۳، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵ تا ۱۵۱.

شکیبی ممتاز، نسرين؛ «جایگاه زن در شعر و اندیشه احمد شاملو و نزار قبانی»، *نشریه قال و مقال*؛ ش ۲، ۱۳۸۷، ص ۸۱ تا ۱۰۸.

علیمی، ماندانا؛ «تجلی زن در سه دفتر نخست مثنوی معنوی»، *نشریه زن و جامعه*؛ ش ۱، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵ تا ۱۷۰.

فولادی، محمد؛ «فمینیسم»، *نشریه ادیان و عرفان*؛ (۳۲)، ۱۳۸۲، ص ۵۸ تا ۶۵.

کرامتی، معصومه و مهدی سجادی و علیرضا صادق‌زاده قمصری و محسن ایمانی؛ «تبیین ملاحظات جنسی و جنسیتی در ارزش‌شناسی فمینیسم اگزستانسیالیسم و اسلام»، *نشریه مطالعات راهبردی زنان*؛ ش ۵۲، ۱۳۹۰، ص ۲۲۵ تا ۲۸۶.

مدرسین، محمدعلی؛ «درآمدی بر فمینیسم»، *ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت*؛ ش ۴، ۱۳۸۸، ص ۵۷ تا ۶۳.

---

میرزائیان، پیروش؛ «رویکرد انتقادی به کاربرد نقد زن‌محور در پژوهش‌های ادبی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان.

#### سایتهای اینترنتی

کتابخانه ملی ایران، تارنمای تخصصی. (آخرین بازنگری ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲). <<http://nail.ir/>>.

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، تارنمای تخصصی. (آخرین بازنگری ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲). <<http://sid.ir/>>.

پایگاه مجلات تخصصی نور، تارنمای تخصصی. (آخرین بازنگری ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲). <<http://noormags.com/>>.

بانک اطلاعات نشریات ایران، تارنمای تخصصی. (آخرین بازنگری ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲). <<http://magiran.com/>>.

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران تارنمای تخصصی. (آخرین بازنگری ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲). <<http://irandoc.ac.ir/>>.

